

وِشَر

آلمان مدعی؟ فکر نمی‌کنم

۱۴



مرگ را باور نکن

۱۴



امان از فاصله‌ها...

۱۵



آلمان بی‌تاب ستاره چهارم

۱۶



در ستایش پله

هرگز ضربه‌اش به بالای دروازه نرفت



◀اردشیر لارودی

در فوتبال دو نوع بازیکن داریم؛ دسته اول بازیکنانی‌اند که می‌دانند چه می‌کنند. بر اثر تمرین و استمرار قبل از اینکه صاحب توپ شوند، می‌دانند باید چه کار کنند. یکسری بازیکن هم داریم که حتی خودشان هم نمی‌دانند می‌خواهند چه کار کنند. به این گروه «خلاق» می‌گویند. بازی گروه دوم روی حرکات غریزی است، بو می‌کشند و کارشان را انجام می‌دهند. اگر از خودشان هم بررسی چرا این کار را کردی، جوابی برای رفتارشان ندارند. در یک صحنه مشابه، پنج عکس‌العمل و رفتار متفاوت انجام می‌دهند، چون غریزه‌شان این‌طور طلب می‌کند. یک بار از چپ حرکت می‌کنند، یک بار از راست و یک بار از پهلو. پله این‌طور بازیکنی بود و در زمان خودش سرآمد این نوع بازیکنان.

به شدت خلاق بود و با توپ غریزی برخورد می‌کرد، در دو بخش این ویژگی را داشت. به عنوان تمام‌کننده از همان ۱۷سالگی که وارد تیم ملی شد این‌گونه عمل می‌کرد. با توپ بازی می‌کرد. در همان فینال ۱۹۵۸ به دنبال این بود که توپ را از روی سر مدافع دو متری سوئد رد کند. اصلا به نشدن یک حرکت فکر نمی‌کرد. به اینکه چه می‌شود هم فکر نمی‌کرد. در لحظه به صورت غریزی و درونی می‌رفت و کارش را انجام می‌داد و همیشه هم موفق می‌شد. پله خیلی زود محبوب شد. جنس بازی‌اش با حس زیبایی‌سندی آدم‌ها ارتباط برقرار می‌کرد. آن چیزی را که دوست داشتی ببینی در بازی پله می‌دیدی. با توپ هیچ مشکلی نداشت، توپ برایش حل شده بود. با هر جای بدنش توپ را مال خودش می‌کرد، حرکاتی که اصلاً به آن فکر نمی‌کردی هم انجام می‌داد و تو حیران می‌ماندی. پله چنین بازیکنی بود، درست مثل کریف، مسی و مارادونا.

از پله یاد بگیرد

ویژگی دوم بازی غریزی پله قدرت پاسوری‌اش بود. در آن زمان می‌گفتند چشم‌های پله از طرفین بازتر از چشم‌های دیگر آدم‌هاست و بهتر از بقیه اطراف خود را می‌بیند. در نتیجه «ادسون آراتس دوناسیمنتو» زمین را بسیار خوب می‌دید و پاسور فوق‌العاده‌ای بود. هر چقدر سنش بالاتر رفت و از بچگی‌اش جدا شد، این ویژگی‌اش بهتر هم شد. پله در جایی بازی می‌کرد که این نوع بازی خریدار نداشت. در برزیل کسی به اینکه بازیکن چه کرد و چه نکرد، کاری ن‌دارد، اینکه چه شکلی کار را انجام می‌دهد مهم است. نمایش مهم‌تر از نتیجه است. پله هم در این زمینه فوق‌العاده بود، البته او نتیجه هم می‌گرفت و از مرز هزار گل هم عبور کرد. این ویژگی‌ها از پله یک بازیکن خاص ساخته بود. دویا بود و چهار قسمت پا برایش یک حکم داشت. داخل، بیرون، رو و پشت و با برایش مزیت نبود و هیچ قسمت ضعیف‌تر از قسمت دیگر نبود. با رانش همان تسلطی را داشت که با سینه و سرش داشت. بعد از پله یادگیری مهارت‌هایی که او از خودش بروز داد در دستور کار قرار گرفت و تمریناتی بر پایه مهارت‌های پله پدید آمد. پله تمرینات خاص زوایه‌های مختلف می‌زد و معمولاً هم توپ را به هدف می‌زد. کاری بود که قبل از پله هیچ کس انجام ندهاده بود و بعد از او باب شد. تا قبل از پله همه فکر می‌کردند فوتبال یادگرفتنی نیست، بلدشدنی است. بعد از پله که بسیار زحمتکش هم بود و آن تمرینات را انجام داد، تمریناتش در تمام دنیا رایج شد.فیلم‌های تمریناتش به عنوان فیلم‌های

گفتگوئی

دونگا همیشه کارهایش را درست انجام می‌دهد

کاکا: با بچه‌های ۲۰۰۶ فرق داریم

کمتر کسی پیدا می‌شود که بتواند کاکا را به عنوان یکی از کارزماتیک‌های دنیای فوتبال نادیده بگیرد. ریکاردو ایزاکسون دوس سانتوس لیتنه نه‌تنها در عرصه باشگاهی بلکه زمانی که صحبت از تیم ملی برزیل به میان می‌آید هم مهرای کلیدی است. حالا که فقط حرف از جام جهانی است او هم چیزی جز قهرمانی در این رقابت‌ها را آرزو نمی‌کند. این جوان بی‌آلایش با آن چهره معصومش در مرحله مقدماتی این رقابت‌ها معمار صعود تیمش بود و دونگا امیدوار است او در جام جهانی هم همان کاکای همیشه‌گی باشد.

-درباره گروهی که در آن قرار گرفتید چه فکر می‌کنید؟

گروه بسیار سختی است، حتی شاید بتوان گفت سخت‌ترین گروه در دور اول. بازی مقابل

آرام به‌مانیم. البته باید به یک نکته مهم اشاره کنم

آموزشی در تمام دنیا منتشر می‌شد، فیلم‌هایی با نام «از پله یاد بگیرد». پله خودش معلم نداشت، کارگردان نداشت، خودش این مهارت‌ها را به دست آورده بود. اولین کسی بود که با توپ تنیس تمرین می‌کرد و مهارتش را بالا برده بود. هیچ وقت ضرباتش بالا نرفت، پیش آمد که شوت‌هایش از کنار دروازه بیرون برسد اما آنقدر در زدن توپ اصول را رعایت می‌کرد که کمتر کسی یادش می‌آید شوت پله از بالای دروازه بیرون رفته باشد.

تنها برزیلی نبود

جام جهانی ۱۹۵۸ سوئد، اولین جام جهانی پله بود. رفتارش کاملاً بیگانه بود. بعد از هر گلی که می‌زد، می‌دوید و می‌آمد سرش را روی سینه «دی‌دی» یا «گیلمار» می‌گذاشت و مثل یک بچه کوچولو» گریه می‌کرد. با این حال یک دقیقه بعد می‌آمد در جریان بازی قرار می‌گرفت و یک حرکت عجیب و غریب انجام می‌داد، توپ را از روی بینی یک نفر رد می‌کرد. هیچ‌وقت به نشدن یک حرکت فکر نمی‌کرد. باور داشت حتماً این کار را می‌شود کرد. به همین دلیل با اینکه در آن جام ژوست فونتن فرانسوی بیشتر از پله گل زد، اما نوع بازی و گل‌های پله شیرین‌تر بود و بیشتر به دل نشست. در آن زمان وسایل ارتباط جمعی یک‌هزارم الان هم نبود. تازه هنگامی که جام جهانی تمام می‌شد فیلم

بازی‌ها از طریق بی‌بی‌سی به کشورهای مثل ایران می‌رسید و نمایش داده می‌شد. آن موقع تلویزیون هم فراگیر نبود. مثل الان نبود که تمام بازی‌ها را تلویزیون نشان دهد و هر بازی هم با دهها دوربین فیلمبرداری شود. الان تنها دو سه دوربین حرکات یک بازیکن را تعقیب می‌کند. در آن سال‌ها شرایط طور دیگری بود و وقتی پس از پایان جام جهانی فیلم بازی‌های پله در کشورهای مختلف به نمایش در آمد، اسمش سر زبان‌ها افتاد. پله یک ستاره بود برای همه کشورها، فقط برزیلی نبود. ایرانی‌ها، اروپایی‌ها همه این احساس را داشتند که پله به آنها تعلق دارد. مثل همین الان که همه فکر می‌کنند مسی بچه آنها هم هست. برای دیدن بازی‌های پله عطش زیادی وجود داشت. وقتی یک فیلم می‌آمد بارها برای دیدن تکرارش به سینما می‌رفتیم.

در جام جهانی ۱۹۶۲ پله مصدوم شد و جای خود را به «ماریلدو» داد. ماریلدو خیلی خوب بازی کرد، موفق بود اما بسا هم یادآور جای خالی پله بود. در سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۲ سه بار پیاپی کردن پله را یاد گرفته بودند. می‌زدند مصدومش می‌کردند و او کنار می‌رفت. اما در جام جهانی ۱۹۷۰ فوتبال تمدن‌تر شده بود. دیگر به آن شدت قبل نمی‌زدندش ولی بازهم هدف بازی خشن تیم‌ها بود، با این حال بهترین بازی‌ها را انجام داد و قهرمان شد.

پله یا مارادونا؟
واقعا نمی‌شود انتخاب کرد کدام بازیکن بهترین است
بازیکن تاریخ بوده. پله، مارادونا یا کریف؟ هر کدام بهترین بازیکن زمان خود بودند. در همان سال ۱۹۷۰ خیلی‌ها در برزیل معتقد بودند نباید پله به جام جهانی بیاید. می‌گفتند قدرت دوندگی‌اش کم

شده. اما پله آمد و آنقدر خوب کار کرد. خوب پاس داد، توپ پخش کرد، گل زد، گل ساخت و تیمش را به حرکت درآورد که از آن بهتر ممکن نبود. در آن جام، پله دو سه پاس فوق‌العاده داد که بعدها به عنوان اصل آموزش پاس دادن به بازیکنی که از عقب حرکت می‌کند، مورد بحث قرار گرفت. پاس‌هایی که او به کارلوس آلبرتو و جرجینیو داد فوق‌العاده بود یا هنگامی که بدون ضربه زدن به توپ و تنها با حرکت بدن دروازه‌بان اروگوئه را دریل زد. پله با این حرکات بهترین بازیکن جام جهانی ۱۹۷۰ شد. واقعا نمی‌شود این بازیکنان را مقایسه کرد.

بی‌انصافی است که یکی را به عنوان بهترین بازیکن تاریخ انتخاب کرد. در هر مقطعی یکی از آنها بهترین بازیکن بوده، مثل امروز که مسی بهترین بازیکن جهان است. پله اولین بازیکنی بود که با حس درونی‌اش فوتبال بازی کرد و بعد از او بزرگانی دیگر مثل مارادونا، کریف و مسی این کار را تکرار کردند. وقتی از مسی پرسیدند چرا آن حرکت را



تیم‌هایی

که فابیو کاپلو

هدایت آنها را بر عهده

داشت. البته بازیکنان

انکارناپذیری هم دارند که

کار را برای هر حریفی سخت

خواهند کرد. حالا بازیکنان از اینکه

قرار است در زمین چه کاری صورت دهند آگاه

هستند. ذهنیت‌شان هم بسیار مثبت‌تر شده است.

بنابراین باید بگوییم که این تیم یکی از مدعیان

انکارناپذیر این جام است.

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

◀ **پیرنامه بازی‌های امروزی**

 نیوزیلند	 اسلواکی (ساعت ۱۶، گروه F)
 ساحل عاج	 پرتغال (ساعت ۰۱۸/۳۰، گروه G)
 برزیل	 کره‌شمالی (ساعت ۰۲۳، گروه G)

◀ **یادداشت**

دکتر بیژن ذوالفقارنسب



آلمان – استرالیا

غیبت بالاک مشکل‌ساز نبود

به اعتقاد من بازی آلمان و استرالیا بازی مهمی بود، چرا که آلمان تغییرات زیادی در زمینه بازیکنان داشت. جوان‌گرایی در این تیم ایجاد شده و بازیکن خوبی مثل میثائیل بالاک مصدوم بود. بالاک بازیکن بسیار قوی و تاثیرگذاری بود، اما ما با شروع بازی و مشاهده آن متوجه شدیم که هیچ‌گونه مشکل و دغدغه‌ای به دلیل غیبت این بازیکن وجود ندارد. علت این موضوع این است که فوتبال در آلمان بسیار جایگاه مناسبی پیدا کرده است.

در کشور آلمان هیچ چیز بر اساس اتفاق یا علایق شخصی و حاشیه شکل نمی‌گیرد. فوتبال آلمان از تشکیلات منظم، برنامه‌ریزی‌های اصولی و مدیریت‌های کارآمد ورزشی تشکیل شده است. وقتی یک کشور به طور کلی بحث بازیکن‌سالاری و پایبند ماندن به حواشی را کنار می‌گذارد و به اصول می‌پردازد، برای هدایت تیم از یک مربی کاربلد، با دانش و با شخصیت اجتماعی بالا استفاده می‌کند و در کنار همه این مسائل از توان فکری همه کارشناسان بهره می‌برد، مطمئناً دغدغه و مشکلی پیدا نمی‌کند. به همین دلیل ما تیم آلمان را مقابل استرالیا منظم، با برنامه و با هدف دیدیم.

تیم ملی آلمان بازی بسیار سالم، روان و سرعتی را به نمایش گذاشت که خیلی خوب توپ را به گردش درمی‌آوردند. آنها از دفاع با نهایت سرعت در حمله در عقب و از کناره‌ها به دروازه استرالیا نزدیک می‌شدند. در مجموع با اعتماد به نفس کافی، بازی را شروع کردند و به پایان رساندند. البته تیم استرالیا هم در این بازی تیم همیشگی نبود. تیم ملی استرالیا مشکلات زیادی از نظر بدنی، ساختار فنی و از لحاظ روحی- روانی داشت. البته این عدم آمادگی را می‌توان به حساب بازی اول مسابقات و اصطلاحاً اصل غافلگیری گذاشت.

تیم آلمان از بازیکنان خوبی مثل کلوزه و بودولسکی در خط حمله استفاده می‌کرد. بازی شواین اشتایگر و مولر (بازیکن جوان و بسیار با آینده تیم آلمان) در دفاع با مدیریت کاپیتان‌شان بسیار چشمگیر بود. آلمانی‌ها بر اساس سیستم ۴-۴-۲ شناور بسیار خوب عمل کردند و تیم استرالیا هم به رهبری فریبک (مربی هلند)الاصل) یک بازی ضعیف با سیستم ۱-۲-۳-۴ از خود به نمایش گذاشت. استرالیایی‌ها از ابتدا تا پایان نتوانستند شرایط مناسب بازی را پیدا کنند و هر گاه می‌خواستند به بازی برگردند، تحت فشار صحیح آلمانی‌ها متوقف می‌شدند و اولین بازی جام را واگذار کردند.

در این گروه دو تیم خوب دیگر مانند غنا و صربستان حضور دارند که می‌توان پیش‌بینی کرد راه برای استرالیایی‌های بازنده بسیار سخت و برای آلمانی‌ها هموار تر است.

◀ **یادداشت**

آفران کمالوند

غنا – صربستان

غنا زیبایی فوتبال آفریقا را نشان داد



فوتبالی که از دو تیم صربستان و غنا دیدیم بر پایه قدرت بدنی و سرعت بنا شده بود. هر دو تیم سعی کردند، اول احتیاط کنند و گل نخورند و بعد به فکر گلزنی باشند. در خط دفاع هر دو تیم از دفاع چهار نفره استفاده می‌کردند. یک دفاع، پشت سر سه دفاع دیگر قرار داشت که وظیفه پوشش را انجام می‌داد. در کل دیدار تیم‌ها سعی می‌کردند دروازه خود را بسته نگه دارند که تا دقایق پایانی هم هر دو تیم موفق بودند. صربستان که در نیمه اول با استفاده از ستاره‌هایش سعی می‌کرد تیم حریف را تحت تاثیر قرار دهد، نتوانست به موفقیت مدنظر برسد و مجبور به تغییر تاکتیک شد. در نیمه دوم صربستان با تغییر تاکتیک و با استفاده از قدرت شوت‌زنی هافبک‌هایش سعی کرد دروازه حریف را باز کند که در این امر هم ناموفق بود.

حضور ویدلیچ، استانکوویچ و یوانوویچ هم برای موفقیت صربستان کافی نبود و هر چه به دقایق پایانی نزدیک می‌شدیم، این تیم از نظر قوای بدنی تحلیل می‌رفت و فرصت را در اختیار تیم آفریقایی غنا قرار می‌داد که اولین پیروزی را برای تیم‌های آفریقایی به دست آورد.

غنا هر چند بهترین بازیکن خود مایکل اسپن را در اختیار نداشت، اما فوتبالی به مراتب زیباتر از دو تیم دیگر آفریقایی یعنی آفریقای جنوبی و نیجریه بازی کرد و حتی برتری قدرت بدنی و تاکتیک تیم خود را به تیم صربستان در دقایقی از بازی تحمیل کرد. غنا در گروهی قرار گرفته است که به احتمال زیاد می‌تواند از آن صعود کند. به نظر من نتیجه این بازی، تیم دومی را که همراه آلمان صعود می‌کند مشخص کرد. غنا با پیروزی وضعیت به مراتب بهتری برایش به وجود آمده است. فوتبالی که غنا در این دیدار انجام داد، فوتبالی بود براساس تاکتیک‌های روز دنیا و بازیکنان غنا نیز به خوبی آن را انجام دادند و سه امتیاز حساس را از تیم صربستان گرفتند.

غنا این فرصت را داشت که حتی با گل‌هایی بیشتر به پیروزی برسد که با بی‌دقتی بازیکنانش فرصت‌ها را از دست داد. این تیم نشان داد می‌توان امید داشت تیم‌های آفریقایی به مراحل بالا و به خصوص نیمه نهایی برسند؛ آرزویی که نه‌تنها آفریقا بلکه همه مردم دنیا آن را دارند، چون حق این قاره است در حالی که میزبان رقابت‌های جام جهانی است، یک تیم در مرحله نیمه‌نهایی داشته باشد.

از جمع تیم‌های آفریقایی، به نظرم غنا و کامرون تیم‌هایی هستند که می‌توانند این آرزو را برآورده کنند به خصوص غنا با بازی زیبایی که انجام داد، لایقت خود را نشان داد. در بازی روز گذشته نکته بازی که می‌توان به آن اشاره کرد بحث آمادگی جسمانی بالای بازیکنان بود که وقتی حرکات آنها را می‌بینیم، متوجه می‌شویم برای این بازی‌ها چقدر تمرین کرده‌اند. بازیکنانی که از یک فصل سخت اروپایی می‌آیند، آمادگی بسیار بالایی داشتند و فوتبال حرفه‌ای را واقعا معنا کردند.

در طول چند بازی‌ای که از این رقابت‌ها گذشته است تیم‌های مدعی نشان دادند همان‌طور که در مورد آنها گفته می‌شد نتیجه گرفتند، اما در مورد تیم‌های کمتر مطرحی مثل تیم‌های آفریقایی و آسیایی، این تیم‌ها نتایج بهتری نسبت به آنچه پیش‌بینی می‌شد گرفتند که اوج آن تیم کره جنوبی بود و واقعا باعث افتخار آسیا شد.

پایگاه‌های یک متعلقه فوتبال=۳→



آلمان مدعی؟ فکر نمی‌کنم



بازی آخر روز سوم پرگل‌ترین بازی جام تا اینجا کار بود (تا پایان روز سوم البته)، اما در جایی که فکر گلزنی به چشم می‌آید بازی پر گل آلمان و استرالیا اصلاً جواب از کار درنیامد. فوتبال وقتی جذاب است که رقابت داشته باشد، خطرها روی هر دو دروازه شکل بگیرد و گل‌ها هم همین‌طور، برای همین است که بازی چهار بر صفر یا حتی بازی ۲۳ بر صفر هیچ وقت بازی جذاب و تماشاگرپسندی نخواهد بود. در این جور بازی‌ها اگر طرقدار تیم برنده نباشی قاعدتا دعا می‌کنی تیم بازنده گل بزند و فاصله را کم کند یا حداقل کمتر گل بخورد و تحقیر نشود، اما در بازی آلمان و کانگوروها این اتفاق نیفتاد تا وقتی که بازی تمام شد حس خوبی نداشته باشم و فکر کنم گل‌هایی که دیده‌ام گل‌های تلخی بوده‌اند. اگر گلی را که الجزایری‌ها خوردند مستثنی کنیم این چهار گل بدترین و تلخ‌ترین گل‌های جام تا اینجا کار بودند.

احتمالاً پیش‌بینی بسیاری از کارشناسان پس از این بازی این خواهد بود؛ «آلمان، مدعی بزرگ جام». اما به نظر من این پیش‌بینی فقط ناشی از احساس و هیجان و ذوق‌زدگی بازی اول است و آلمان را هنوز مدعی بزرگی نمی‌دانم، البته ژرمن‌ها در بازی اول بسیار هماهنگ نشان دادند و میزان اشتباه در آنها بسیار پایین بود، مردان باتجربه آنها موثر بازی کردند و جوان‌های آنها هم فراتر از انتظار بودند، اما فراموش نکنید که در روزهای خوب فوتبال آلمان روز بد فوتبال استرالیا رقم خورد و در واقع همه چیز این‌گونه رقم خورد که آلمان‌ها مقتدرانه به پیروزی برسند. اما فقط به یک نکته وقت کنید: میانگین سنی زرد و سبزها – کنتا ساکروس‌ها – در این بازی ۳۰ سال بود و پاشنه آشیل استرالیا یعنی قلب دفاع و دروازه‌بان آنها روی هم ۱۰۸ سال سن داشتند (شواترز ۳۹ ساله، لوکاس نیل ۳۹ ساله و کرگ مور ۲۶ ساله). دو مدافع میانی باتجربه اما کند استرالیا در این بازی بارها و بارها در آفسایدگیری دچار اشتباه شدند. در اکثر مواقع تنها کاری که آنها انجام می‌دادند بلند کردن دست به نشانه آفساید بود و پس و بارها هم جا ماندند تا مهاجمان آلمان – که نه خیلی سرعتی هستند نه خیلی تکنیکی – با تکیه بر حرکات ساده و حداکثر یک و دوهای ساده به راحتی موقعیت گل خلق کنند و چهار گل هم بزنند. در این بازی به نظر می‌رسید آلمان در همه یس‌ت‌ها بازیکنان آماده و مناسبی دارد و از لحاظ هماهنگی هم فوق‌العاده است اما واقعیت این است که نویر یی تجربه دو ضرب‌گیر است و در خروج‌هایش مطمئن نیست، مر ته ساکر و فریدریش در مقابل مهاجمان تکنیکی و سریع به مشکل می‌خورند و شواین اشتایگر هنوز نمی‌تواند یک طراح کامل در میانه میدان باشد و سامی خدیرا هم فاقد آن ویژگی‌های لازم برای شکستن خطوط دفاعی است و کلوزه را گومز هم در شرایط فعلی گلزنان بالقهره نیستند. آیه نظر من فیلیپ لام، مسعود اوزیل، توماس مولر و کاتانو نقاط قوت سفید و سیاه‌ها هستند. از مجموع آلمان در مقابله با سلاطین پاس – اسپانیا و برزیل – با در مقابله با تیمی با بازیکنان تکنیکی و دریل‌زن مثل آرژانتین و هلند و حتی در مقابل انگلستان که هافبک‌های مقتدر و گوش‌های سریع دارد به مشکل بروخواه خورد، صبر کنید و ببینید!

نکته: «در فوتبال تا اشتباهی صورت نگیرد گلی به ثمر نخواهد رسید.» این جمله را حتماً زیاد شنیده‌اید اما به نظر تان در این جام جهانی اشتباه‌های یگانه بیش از حد نیست؟ جدا از استرالیایی‌ها که مجموعه کاملی از اشتباهات را ارئه دادند اشتباه یگانه رابرت گرین و شالوشی دروازه‌بان‌های انگلستان و الجزایر که سرنوشت بازی را رقم زدند و اشتباه‌های یگانه عبدالقادر غزال و الکساندر لوکویچ – که به اخراج آنها انجامید و به صورت غیرمستقیم روی نتیجه بازی تاثیرگذار بود – و اشتباهات یگانه کوچمانوویچ سرب در هدیه دادن یک پالتی به غنک و وینترا مدافع یونان در تقدیم توپ به پارک جی سونگ – که به گل دوم کرای‌ها انجامید – هم آقد کودکانه بودند که فعلاً گل جام را تحت تاثیر قرار داده‌اند، فعلاً که این جام اشتباهات است.

طوفان →

امیرفشار فرمی

افشارگری سوسن خانوم

سالار که با اخراج ساسان از تیم دیگه می‌تونست با خیال راحت در جام جهانی همزمان با افتخار سرمربی بودن، پیراهن شماره ۱۰ رو هم بر تن کنه، تمرینات نیم محل رو دور از چشم خبرنگاران خارجی و از صبح بعد از جلسه استیناف با جدیت شروع کرده بود. سالار جان در مصاحبه با بولتن محل اعلام کرده تیم از نظر بدنسازی در شرایط خوبی به سر می‌ره و تا بازی اول با شیلی تیم در شرایط مطلوبی خواهد بود و در جواب سردبیر که پرسیده بود از اینکه احتمال داره به عنوان اولین بازیکن مربی جام جهانی قهرمان جهان بشید چه حسی دارید، فقط لبخند زده بود. ای عزیز… به خدا اگر چیزی بین سردبیر و سالار باشه جفشنش رو با همین دستام خفه می‌کنم. اولش هر چی فکر کردم چطور بازی اول ما با شیلی خواهد بود سر درنیاورد؛ ما اینکه صصر با رسانه‌ای شدن ناقلهت‌های سوسن خانوم که تمام عهده‌های شخصی‌اش از چارلایز ترون رو برای زیر سوال بردن مافیای حاکم بر فوتبال دنیا به کار بسته بود، پرده از راز بزرگی برداشته شد. چطور؟ خوب، شبنم رو در حال پیاده کردن مصاحبه با سوسن خانوم دیدم که چشمش بری میزد و مطمئن بود برای بولتن به سوزه عالی جور کرده. صدای نوار ضبط‌شده تو خونه طنین‌افکن بود: «هن خودم چند بار تو فیلم فرقه‌کشی دیدم که چارلایز ترون گوی آخر رو عوض کرد. مطمئنم اسن هندوراس رو از جیبش درآورد و خوند.» حالا اینکه سوسن خانوم با اون چشمای بالقوری چطور از اون فاصله تو تلویزیون سیاه و سفید ۱۴ اینچی متوجه این حرکت چارلایز ترون شده، بیشتر معجزه به حساب میاد تا افشارگری. به شبنم گفتم بهتره جای تمرکز رو جام جهانی این بهیود معجزه‌آسای بینایی سوسن رو مطرح کنه. ولی خب شور نداره، چه کار کنیم؟ نمی‌دونم این بولتن یا تیتیر «راز جایگزینی هندوراس با تیم محله» از زیرکاس آقا مصطفی بیرون میاد یا نه؛ ولی فکر کنم اگر چاپ بشه تیعات بدی تو محل داشته باشه. دلایلش هم واضح و روشنه. اولین بربادش از این تیتیر اینه که خب پس تیم به جام جهانی نرفته. دومین برداشت اینه که پس تمرینات جدی سالار با پچه‌های بدنساز محله برای جام جهانی نیست. سومین برداشت اینه که پس همه سر کار بودیم. و تیعات این تیتیر؛ اولاً باید ببینیم صغری خانوم سسر سالار چه بلای میاره. الان ۱۰ روزه که سالار داره با پولای اسپانسر، رو محل جولان میده و این یعنی اول بدبختی. تازه به کری‌خونی صغری خانوم که هر غروب دم در خونه با زانای محل بساط دارن که فکر می‌کنم، حالم بیشتر خراب میشه. این روند رو تونسته بود با یز اسپانسر۱ تیم محل، حال منیره خانوم رو جا بیاره. اخه ایوشن (منیره خانوم) در ۸۴ سالگی مدعی شده که رفقه پیش دوناتللو ورساچه و بهش کفن گوجی سفارش داده. ما که نفهمیدیم ورساچه چه جور می‌خواد کفن گوجی تولید کنه، بگنریم. دوم اینکه باید ببینیم با حکم ساسان سوسل پس کار می‌کنم؛ صبح دیدم برای پیچوندن کفن شورای استیناف (به ماه محرومیت از حضور در تمام اماکن فرهنگی و غیرفرهنگی محل) چادر سرش کرده تا بپونه بره نتوانای واسه ننجونش بربری تازه بخره. سوم باید ببینیم با شور و شوقی که تو اهل محل به واسطه حضور تیمشون در جام جهانی پراشده، چه می‌کنن. باید به راهکاری برای استفاده بهینه از این حس محله‌گرای ارانه اهل داد. وسط فکر کردن صدای گوش‌خراش میلاد ۳۰ سانی که توزیع‌کننده بولتن محله است، من رو از حال خودم بیرون آورد: «سوسن خانوم افشا می‌کند. بشتابید… دسیسه فیفأ… بشتابید. پشت پرده جایگزینی هندوراس با محل… بشتابید…» ای احمق… خدا به دورا همین مونده بود که سوسن خانوم وارد جوره ورزش بشه. احتمال میدم الان جام جهانی عرصه قدرت‌نمایی سوسن خانومه و می‌خواد این جوری مطرح کنه. نیمه‌ه هیچی رو سسر۱ گرفت و بی‌شک کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه است. این تیم محل و داستان جام جهانی شده جولانگاه آدم بزرگای محل و دارن دعوهاشون رو محترمانه به حوزه‌ای می‌کشن که همه اهل محل نسبت به اون حساسیت دارن. نکته‌ش اینه که فعلاً بحث جام جهانی یک حوزه زنونسته و هنوز آقا یون تصمیم به خودنمایی در این بخش نگرفتن. فکر کنم اگر به حوره موضوع بالا بگیره به زودی باید منتظر اتفاقات جدیدی باشیم.

۱۲۶ برزیل

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

نمونه‌هایی برای ترساندن برزیل

مرگ را باور نکن



جدال «بزرگ‌ترین» با «کوچک‌ترین» بخش زیادی از جذابیت فوتبال را رقم می‌زند. آنجا که طسرف فوق‌العاده ضعیف میدان پس از پشت سر گذاشتن التهاب‌های اولیه بدون ترس جلول غول بزرگ می‌ایستند شگفتی متولد می‌شود. مهم نیست تیم بزرگ‌تر مطابق انتظار ببرد یا برخلاف پیش‌بینی‌ها شکست بخورد. موضوع اصلی فرصتی است که فوتبال به وجود می‌آورد؛ هم‌اوردی تیم در قفسر چاه با قهرمان بی‌چسون و چرای توپ گرد. در ادوار مختلف جام جهانی بارها شاهد نبردی از جنس جدال امروز برزیل و کره شمالی بودیم، البته حساب شکست‌های مصلحتی و تغییرات زمان جداست. شکست عمدی آلمان در بازی سوم مرحله گروهی به قصد جلوگیری از نبرد با یک تیم بزرگ در مرحله بعدی شگفتی تلقی نمی‌شود. از طرفی با توجه به قدرت مجارستان در دهه‌های گذشته، برتری این تیم بر برزیل اصلاً عجیب تلقی نمی‌شود.

کولاک امریکا

۱۲ جولای ۱۹۳۰ امریکا بی‌هیچ سابقه مشخصی مقابل بلژیک قرار گرفت و در نهایت تعجب ۳ بر صفر رقیب آن روز خود را در ورزشگاه «پارکسنترال» شکست داد. تیم اروپایی در اولین جام جهانی بهترین فرصت هنرنمایی را از دست داد و تنها ۵۶ سال بعد فرصت جبران را به دست آورد.

اخم هیتلری

آلمان نازی گمان می‌کرد سونیس خامه روی کیک عصرانه روز چهارم ژوئن ۱۹۳۸ است. اما مردان آلم در جریان بازی حذفی جام جهانی فرانسه پس از کسب یک تساوی ازترشمنند، در رقابت تکراری به برتری ۴ بر ۲ دست یافتند تا آلمان پس از مدت‌ها شکست از سفیدها را هم به کارنامه‌اش بیفزاید. هیتلر روزی روزگاری از اعطای مدال به یک دونده سیاه‌پوست ناراحت شد و این بار بی‌صرانه منتظر کاروان شکست‌خورده آلمان ماند تا دلیل قرار گرفتن پرچم نازی پایین آرام نژادهای پست را جویا شود.

اولین سکوت

به محض حرف زدن از جام جهانی ۱۹۵۰ همه به یاد آن بازی تاریخی برزیل و اروگوئه، اشتباه وحشتناک باربوسا و قرار شنبانه بازیکنان تیم قهرمان به دلیل ترس از تمسار العمل طرفداران میزبان بازنده می‌افتند اما اولین سکته در راه قهرمانی برزیل را نه اروگوئه، بلکه سونیس به وجود آورد. مردان فوتبالی کشور صلح‌طلب دنیا در اولین بازی بدون ترس از دو آورد و پیش‌بینی‌های اولیه خیلی آسوده‌خاطر به توپ ضربه زدند، اصلاً بازی دفاعی (آنچه در دهه ۵۰ مرسوم نبود) انجام ندادند و سرانجام با تساوی ۲ – ۲ از زمین خارج شدند تا زمان بازی پایانی چهارمین دوره جام جهانی هیچ تیم دیگری بخت مقاومت مقابل مردان سرزمین قهوه را به دست نیاورد. ۲۹ ژوئن ۱۹۵۰ تاریخ کلید دیگری

به حساب می‌آید. در رختکن تیم ملی انگلیس به جای صحبت از مسائل تاکتیکی، تمسخر امریکایی‌ها در دستور کار قرار داشت. رسانه‌های گروهی جزیره اسم در نظر گرفته‌شده برای فوتبال را از سوسی اهالی ینگ‌دینگه (ساکر) به جای مباحث فنی مورد بررسی قرار می‌دادند. در این شرایط، خوش‌خیالی کار دست انگلیس‌اکنون‌ها داد. گانشن هفت دقیقه

قبل از تداوم خنده‌های بازیکنان در فاصله بین دو نیمه، امریکا را پیش انداخت. انگلیس که مقابله با این حریف را در شأن خود نمی‌دید طی نیمه دوم دچار یک معلولیت ذهنی شد. در نهایت یک شگفتی بزرگ رقم خورد؛ امریکا یک – انگلیس صفر. انگلیس حتی با کاپلو هم موفق به پاک کردن آن لکه تنگ نشده است.

ایکتا فرو ریخت

سال‌ها بعد از دار زدن موسولینی و معشوقه‌اش بتاچی در میلان، فوتبال ایتالیا بارها ناخواسته در راه خودکشی قرار گرفت. گل‌های بلالام، هوگی (دو بار) و فانون، بر برتری ۴ بر یک سونیس مقابل لاجوردی‌پوشان را در جام جهانی ۱۹۵۴ رقم زد. میزبان آن دوره جام جهانی هیچ وقت بعدازظهر ۲۲ ژوئن ۱۹۵۴ را از یاد نمی‌برد. ایتالیا، ۱۶ سال بعد سر بلند کرد.

تکه خوشمزه بریتانیا

وقتی ایرلند شمالی در اولین بازی خود در جام جهانی ۱۹۵۸ یقه چکسلواکی را گرفت سال‌ها از چک و چانه زدن انگلیس برای حضور مستقل تمام کشورهای بریتانیا گذشته بود. ایرلند شمالی هنگام لذت بردن از پیروزی یک بر صفر باید به جان برادر بزرگ‌تر دعا می‌کرد؛ انگلیس‌ها که به دلیل در

درخواستش سه دوره اول جام جهانی را تحریم کرد. ولز دیگر کوچک بریتانی‌ها هم در اولین و آخرین حضور در جام جهانی دیواری کوتاه‌تر از مجارستان نیافت. نایب‌قهرمان دوره قبلی جام جهانی ۲ بر یک به ولز باخت. مجارستان متواضع پس از دریافت سیلی اول از آلمان در فینال سال ۱۹۵۴، آن طرف صورتش را جلو آورد تا ولز ضربه دیگری بزند و آنها را به ته ره بفرستد.

اما توفان زرد

در آستانه اولین بازی کره شمالی در جام جهانی ۲۰۱۰ بارها و بارها اتفاق بزرگ بازی ورزشگاه اختصاصی میدلزبرو مورد بررسی قرار گرفته است. «پاک دویک» ایتالیا را به زانو درآورد. چه می‌شد اگر کره شمالی در سال ۱۹۶۶ احتیاط امروز را با خود به همراه داشت؟ در این صورت برتری ۳ بر صفر در بازی مرحله یک‌چهارم نهایی از بین نمی‌رفت. گولیمبا (لقب کره شمالی) در واقع اولین قسمت سریال تاکامی ایتالیا را مقابل نمایندگان فوتبال آسیا روی پرده برد. سال ۱۹۷۰ رژیم صهیونیستی که آن زمان در قاره کهن بازی می‌کرد و ۳۲ سال بعد از این تاریخ، کره جنوبی یقه قهرمان جام جهانی ۲۰۰۶ را گرفت. برتری آلمان شرقی مقابل آلمان غربی در مرحله گروهی جام جهانی ۱۹۷۴ و توقف

آزمون سخت پر تغال مقابل فیل‌ها

مرموزها یا به توپ می‌شوند

خودمان ایمان داریم. ما در رسیدن به جام جهانی آفریقای جنوبی مشکلات فراوانی داشتیم اما اکنون که در این بازی‌ها حضور داریم می‌خواهیم به بهترین شکل از آن استفاده کنیم.» رویارویی ساحل عاج با پرتغال در خاک آفریقا دومین رویارویی آنها با یک تیم اروپایی است. آنها تقریباً ۲۷ سال پیش در آبیجان موفق شدند با نتیجه یک بر صفر سونیس را شکست دهند. قضاوت این دیدار بر عهده خورخه لاریوندا اروگوئه‌ای است.

برزیل – کره شمالی

رویارویی با تیم رموز کره شمالی می‌تواند بدترین کابوس دونگا در این رقابت‌ها را رقم بزند. انتظار می‌رود دونگا برای نبرد الیس پارک اندیشه‌ای تدافعی برای تیمش اتخاذ کند.در آستانه این دیدار دونگا که پیش از این‌ا از حضور خبرنگاران در تمرین تیم ملی برزیل استقبال می‌کرد در اقدامی غیرمنتظره ورود خبرنگاران به اردوی تیم ملی برزیل را برای دومین روز پیاپی ممنوع کرد و با این حرکت غیرمنتظره تعجب بسیاری از خبرنگاران و حتی تعدادی از بازیکنان تیمش را برانگیخت. هیچ یک از بازیکنان و اعضای کادر فنی نتوانستند توضیح

اسکاتلند آماده در بازی با ایران ناامید از صعود در جام جهانی ۱۹۷۸، الهام‌بخش کره شمالی در جدال سخت امروز است. چهار سال بعد از اولین خودنمایی ایران در بزرگ‌ترین فستیوال جهان، اتریش به عنوان مستعمره سابق آلمان ۳ بر ۲ قسمت غربی ارباب سابق را از پیش رو برداشت. رومینگه در دقیقه ۱۹ گل آلمان را به ثمر رساند اما فوگتس با یک گل به خودی برتری تیمش را در بازی مرحله دوم گروهی از بین برد. «هولزر-نابین» در فاصله ۱۸ دقیقه مانده به پایان، سفیدپوشان را از خطر شکست با گل «کرنکل» نجات داد. با این حال زندگیه قبلی اتریش در دقیقه ۸۷ برتری را به اردوی طرف ضعیف‌تر میدان آورد. آلمانی‌ها ۱۶ ژوئن ۱۹۸۲ هم بدجوری شگفت‌زده شدند. ماجرو و بلومی گل رومینگه را بی‌ثمر جلوه دادند تا الجزایر در اولین تجربه جام جهانی قهرمان سال ۱۹۷۴ را از پیش رو بردارد. کار نشد نداشت. بازیکنان کویت این را می‌دانستند؛ حتی وقتی «لانتکا» در بیست و یکمین دقیقه بازی مرحله گروهی جام جهانی ۱۹۸۲ از روی نقطه پنالتی، چکسلواکی دروازه تیم‌شان را گشود. در نهایت فقیصل الذخیل» قبل از پایان ساعت اول بازی کابوس شکست را از تیمش دور کرد. در جامی که اسپانیای میزبان تا دقیقه ۶۵ هندوراس تازه‌وارد

عقب افتاده بود و سرانجام فقط یک امتیاز گرفت، حتی ایرلند شمالی هم موفق به شکست ماتادورها نشد و آرمسترانگ در چهل و هفتمین دقیقه بازی پیش‌بینی‌ها را باطل کرد.

عصر جدید

مراکش در جام جهانی ۱۹۸۶ از ضعف عجیب پرتغال نهایت بهره را برد. چشمه خلافت «پائولو فوته» که خشکید، کشور سفیدپوست شمال آفریقا افتتاحیه جام جهانی ۱۹۹۰ به چندین زبان تعریف شده اما هنوز «تامکر» به نظر می‌رسد. آنها اجازه ندادند تساوی مصر مقابل هلند در مرحله گروهی آن دوره رقابت‌ها به چشم بیاید. برتری ۳ بر صفر اروپاسی در مرحله یک‌چهارم نهایی جام جهانی ۱۹۹۸ مقابل آلمان، پیروزی یک بر صفر سنگال در بازی با فرانسه در نخستین روز جام جهانی ۲۰۰۲ و سرانجام برتری غیرمنتظره امریکا بر پرتغال، تیم پرامید جام آسیایی، لیست برتری‌های غیرمنتظره در ادوار مختلف جام جهانی را تکمیل کرد. آیا کره شمالی به این لیست اضافه می‌شود؟



مکزیک و ونزوئلا برگزار کرده‌اند. آنها در یک دیدار دوستانه عجیب مقابل ونزوئلا در دقیقه ۸۰ بازی پس از آنکه بازی دو ساعت دیرتر شروع شده بود زمین بازی را ترک کردند و گفتند هوا از آنچه آنها فکرش را می‌کرده‌اند گرم‌تر بوده است. تمامی بازیکنان کره به جز سه تن از آنها در کره شمالی بازی می‌کنند به همین دلیل کیم جونگ هان مربی این تیم هم به همین دلیل به کره شمالی می‌رود. اما تیمش را داشته است. آخرین حضور کره شمالی در جام جهانی به سال ۱۹۶۶ بازمی‌گردد؛ در آن جام کره شمالی در این جام تیمی کاملاً آماده از لحاظ فیزیکی است که توانایی به نمایش گذاشتن فوتبالی خوب را دارد. گیلبرت سیلوا هافیک برزیل درباره این بازی می‌گوید: «ما در برابر یک حریف کاملاً تدافعی به میدان خواهیم رفت که مطمئناً مشکلاتی برای ما ایجاد خواهند کرد. این در حالی است که بازی اول همیشه سخت‌تر است چرا که فشار عصبی روی بازیکنان بسیار بالاست.» قضاوت این دیدار بر عهده ویکتور کاسای مجاری خواهد بود.



پایانه‌های آسیایی‌ها به بهانه شکست استرالیا و بازی امروز کره‌شمالی

چرا ساحل عاج شانس کمی برای قهرمانی دارد

وحدید هالیلهودزیج مربی سابق ساحل عاج دلیل اصلی مشکلات این تیم را بازیکنان خودخواهش می‌داند که تنها به تکتوری فکر می‌کنند. هالیلهودزیج که اکنون بیش از چهار ماه است پست خود را ترک کرده، همچنین اعتقاد دارد به همین دلیل تیم‌های غرب آفریقا در عرصه ملی نمایشی پایین‌تر از سطح خودشان دارند و در این جام موفق نخواهند شد. در جام ملت‌های آفریقا بعد از درگیری‌هایی که منجر به کشته شدن بازیکنان توگو شد این هالیلهودزیج یوسنیایی بود که همه را به آرامش دعوت می‌کرد و مشکلات را با

هادی هادی، مربی تیم ملی ساحل عاج

درگیری‌های ساریوو مقایسه می‌کرد و باعث ماندن بازیکنان سرشناس ساحل عاج در جام شد. ولی این تیم مشکل دیگری هم داشت. آنها با اینکه غنا را ۳ بر یک شکست دادند، با بورکینافاسو صفر – صفر مساوی کردند که نتیجه عجیبی بود. بعد از آن در یک‌چهارم نهایی با الجزایر پس از تساوی در ۹۰ دقیقه در وقت اضافه بازی را واگذار کردند. این اولین شکست هالیلهودزیج در دو سال اخیر بود که باعث شد چند روز بعد اخراج شود.او در این باره می‌گوید: «وقت داشتیم تا استراحت کنیم. تمامی پیشنهادات موجود را بررسی کردم و با درسی که

خودشان گرفتیم؛ درس‌هایی که در جام جهانی به درد می‌خورد و به خود من چیزهای زیادی آموخت ولی آنها اجازه استفاده از این آموخته‌ها را به من ندادند. ما روی تمامی حریفان کار کرده بودیم و مشکلات اقتصادی فراوان در این قاره باعث می‌شود.

در سال ۱۹۹۸به قهرمانی هم رسید در حالی که در سال‌های اخیر فوتبال آفریقا پیشرفت‌هایی هم داشته اما مشکلات سازمانی علی‌الخصوص دخالت بیش از حد سیاستمداران در این مدیوم به علت محبوبیت زیادش برای جذب رای باعث‌شده این قاره از جایگاه اصلی‌اش دور بماند. بازیکنان تنها به

در جریان بازی بین تیم ملی ساحل عاج و تیم ملی آلمان در جریان جام جهانی ۲۰۰۶، هادی هادی (پشت سفید) در حال دفاع از دروازه است.

در ساحل عاج گرفتیم می‌دانم باید حواسم را جمع کنم.» هالیلهودزیج قبل از اینکه به ساحل عاج برود سابقه مربیگری در لیگ مراکش را داشت و در سال ۱۹۹۸به قهرمانی هم رسید در حالی که در سال‌های اخیر فوتبال آفریقا پیشرفت‌هایی هم داشته اما مشکلات سازمانی علی‌الخصوص دخالت بیش از حد سیاستمداران در این مدیوم به علت محبوبیت زیادش برای جذب رای باعث‌شده این قاره از جایگاه اصلی‌اش دور بماند. بازیکنان تنها به



یوگسلاوی ۴–امارات متحده عربی یک (۱۹۹۰) یوگسلاوی برای صعود به مرحله گروهی به پیروزی در این مسابقه نیاز داشت. هشت دقیقه پس از شروع بازی یوگسلاوها دو گل جلو افتادند و به مانند آلمان غربی ادامه بازی را چندان جدی نگرفتند. پانچف زنده این گل‌ها بود. ضمن‌آنکه

اربرت پروسنسکی با گلزنی در این بازی و همچنین گلزنی برای کرواسی در جام جهانی ۱۹۹۸ تبدیل به نخستین بازیکنی شد که برای دو کشور در جام‌جهانی گلزنی کرده است.

فرانسه ۴– عربستان سعودی صفر (۱۹۹۸) عربستان در سال ۱۹۹۸ عملکرد قابل قبولی

ترکیب تیمی که به اسم آلمان در آفریقای جنوبی حاضر شده آنقدر مهره‌های جوان دارد که آن را به تیمی ناشناخته تبدیل کرده بود، اما اولین ۹۰ دقیقه آلمان در جام جهانی کافی بود تا تیم یواخیم لو حسابی شناسخته و جدی گرفته شود. می‌توان این تیم را با آلمان ۲۰۰۲ مقایسه کرد که پیش از شروع تورنمنت اصلا جدی گرفته نمی‌شد اما آرام‌آرام پیش رفت و به فینال هم رسید. اوزیل، مولر و خدیرا کم‌تجربه در ترکیب اصلی آلمان نمایش خوبی داشتند و بازوند کاپیتانی هم به بازوی فیلیپ لام ۲۶ساله بود. این عکس اما می‌تواند نماد شور و طراوت تیمی باشد که بدون کاپیتان خود میثائیل بالاک نیز نشان داد موفقیت در خونس است و می‌تواند در یواخیم لو که این گونه در عکس مشغول خوشحالی است به تکرار موفقیت یورو در جام جهانی فکر می‌کند. آلمانی‌ها ننه ستاره‌های انگلیس و آرانتینس را دارند و ننه نیمکت اسپانیا را اما «روح تیمی» عجیبی دارند که باعث می‌شود با مهره‌های جوان و کم‌تجربه هم بوی موفقیت بدهند.



جام جهانی ۱۵

پایانه‌های آسیایی‌ها به بهانه شکست استرالیا و بازی امروز کره‌شمالی

زبادی گرفتیم؛ درس‌هایی که در جام جهانی به درد تیم می‌خورد و به خود من چیزهای زیادی آموخت ولی آنها اجازه استفاده از این آموخته‌ها را به من ندادند. ما روی تمامی حریفان کار کرده بودیم و برنامه داشتیم یک تساوی از برزیل بگیریم و پرتغال و کره را شکست بدهیم. خیلی راحت صعود کنیم. اما الان فقط می‌توانم آرزوی موفقیت برای تیم کنم. با کار اریکسون آشنا نیستم به همین دلیل نظر خاصی ندارم ولی از آنجایی که ما راه زیادی رفته بودیم کار برای اریکسون ساده‌تر است. امیدوارم با توجه به اینکه بازی‌ها در آفریقا است این تیم از شرایط میزبانی استفاده کند.» هالیلهودزیج حاضر نشد نام بازیکنانی و سیاستمدارانی را که باعث اخراجش شدند، فاش کند.

داشت و فارغ از شکست ۴ بر صفر مقابل فرانسه عملکرد خوبی در این جام داشت. تیری آنری دو بار و دیوید ترزگه و بیکسنت لیزارازو هرکدام یک بار در این بازی برای فرانسه گل زدند. عملکرد بسیار ضعیف محمد الدعایه در شکل‌گیری این نتیجه بی‌تاثیر نبود. ضمن‌آنکه در اواخر بازی فرانسه به دلیل اخراج زین‌الدین زیدان ۱۰ نفره به بازی ادامه داد. گل آخر فرانسه هم در زمان ۱۰ نفره بودن دروازه‌ها به ثمر رسید.

هلند ۵– کره جنوبی صفر (۱۹۹۸)

کره‌جنوبی در بازی اول خود در این دوره از جام‌جهانی با ۱۰ بازیکن مقابل قهرمان گلدکاپ و تیم سوم کوپا آمریکا (مکزیک) بازی قابل قبولی انجام داد و همه منتظر تکرار این نمایش در برابر هلند بودند که در بازی اول چندان خوب نشان نداده بود. تا اواخر نیمه اول بازی متعادل پیش می‌رفت اما به یکباره هلند توفانی ظاهر شد. فیلیپ کوکو، مارک اوورمارس، دنیس برگ کمپ، پی‌فن هودیونک و فرانک دی‌بوئر گلزنان هلند در این بازی بودند. کره در این بازی خوب عمل نکرد اما مستحق دریافت پنج گل هم نبود.

آلمان ۸– عربستان سعودی صفر (۲۰۰۲) با پیشرفت سیستم‌های دفاعی کمتر کسی حدس می‌زد تیمی پیدا شود که در جام‌جهانی ۲۰۰۲ با اختلاف هشت گل بازی را واگذار کند اما عربستان سعودی در آن جام حاضر شد و این افتخار تازه را برای فوتبال آسیا به ثبت رساند. میروسلاو کولوزه که در آن زمان متهم به گلزن نبودن بود، سه گل زیبا با ضربه سر برای آلمان‌ها به ثمر رساند و با همین سه گل اسنارت آقای‌گلی‌اش در این رقابت‌ها را هم به بهترین شکل ممکن زد. هر چند تقریباً اکثر بازیکنان آلمان از آن بازی دست پر بازگشتند و گل با پاس گلی به نامشان ثبت شد. محمد الدعایه که چهار سال قبل در مقابل فرانسه نمایش ضعیفی از خود ارائه داده بود، این‌بار عملکردی دو چندان ضعیف را از خود به جا گذاشت.

چین صفر – برزیل ۴ (۲۰۰۲)

چین در آن زمان هر از گاهی از تیم‌های آسیایی هم با تعداد گل بالا شکست می‌خورد و در واقعیت فاصله فوتبال برزیل و چین در سال ۲۰۰۲ بیش از چهار گل بود اما نمایش شجاعانه مردان شرق آسیا و البته مماشات برزیل، منجر به ثبت نتیجه نهایی ۴ بر صفر شد. رونالدو، ریوالدو، رونالدینیو و روبرتو کارلوس گلزنان این بازی بودند. گل کارلوس از روی ضربه ایستگاهی در این بازی هنوز هم در یادها باقی است.

عربستان سعودی صفر – اوکراین ۴ (۲۰۰۶) کمتر تیمی در جام جهانی ۲۰۰۶ چنین نمایش ضعیفی از خود نشان داد اما عربستانی‌ها به سیاق دوره قبلی این رقابت‌ها، یک نمایش تاریخی دیگر از خود به جای گذاشتند و این‌بار برابر اوکراین کوچک‌ترین حرکت مثبتی انجام ندادند. حقیقت این است که اگر اوکراینی‌ها کمی خودخواهی را کنار می‌گذاشتند و دقت بیشتری به خرج می‌دادند، می‌توانستند حاسه ۸ بر صفر آلمان را تکرار کنند.

چون نماینده آسیا در این مسابقه هم دقیقاً به اندازه چهار سال قبل افتضاح بود و در راس تمام نفرت این تیم مبروک زید دروازه‌بان آنها حتی یک واکنش هم نداشت و روی گل‌های اول و دوم کسی جز او مقصر نبود. سرگئی ربوف و آندری شوچنگو دو مهاجم مطرح اوکراین در این بازی گل‌های تیم‌شان را به ثمر رساندند.

اربرت پروسنسکی با گلزنی در این بازی و همچنین گلزنی برای کرواسی در جام جهانی ۱۹۹۸ تبدیل به نخستین بازیکنی شد که برای دو کشور در جام‌جهانی گلزنی کرده است.

فرانسه ۴– عربستان سعودی صفر (۱۹۹۸) عربستان در سال ۱۹۹۸ عملکرد قابل قبولی



پایانه‌های آسیایی‌ها به بهانه شکست استرالیا و بازی امروز کره‌شمالی

برخلاف خیلی‌ها که اعتقاد دارند بازی تیم‌های پرتغال و ساحل عاج می‌تواند (تقابل دو ستاره این تیم یعنی کریستیانو رونالدو و دروگبا باشد، من می‌گویم این ستاره‌ها نیستند که نتیجه بازی را تعیین می‌کنند. دو تیم پرتغال و ساحل عاج بازیکنان بسیار خوبی دارند که این دو ستاره هم در کنار آنها قرار می‌گیرند و به کمک آنها می‌توانند نتیجه بازی را تعیین کنند و اگرچه آنها در روند بازی بسیار تاثیرگذار هستند اما نمی‌توان نقش بقیه بازیکنان تیم را نادیده گرفت. فوتبال یک بازی تیمی است که نمی‌توان یک نفر را بدون در نظر گرفتن کل تیم ارزیابی کرد. ساحل عاج تیمی است که بعد از غنا بهترین کیفیت را در میان آفریقایی‌ها دارد و در جامی که تیم‌های آفریقایی تا این لحظه نتوانسته‌اند در حد انتظار ظاهر شوند و تنها غنا بوده که نمایش قابل قبولی ارائه داده، ساحل عاج می‌تواند دومین تیمی باشد که از آبروی فوتبال قاره سیاه دفاع کند و پتانسیل‌های فوتبال این قاره را بیش از پیش به نمایش بگذارد. ساحل عاج در این بازی مقابل تیمی قرار می‌گیرد که نمی‌تواند به راحتی از کنار نام آن عبور کند و مطمئناً اریکسون می‌داند کار بسیار سختی پیش رو دارد. پرتغال به لحاظ استانداردهایی که دارد در این بازی مستحق پیروزی است و در این تورنمنت تیم بسیار خوبی دارد. آنها به رغم از دست دادن لوئیس فیگو کیفیت خودشان را حفظ کرده‌اند و کریس رونالدو به لحاظ تجربه و اعتبار به سطحی رسیده که شاید نتوان گفت بهترین اما جزء دو سه بازیکن برتر دنیاست که حضورش می‌تواند کمک شایانی به کادر فنی پرتغال کرده و تیمش را در میدان رهبری کند.

در تیم ساحل عاج شاید به سختی بتوان بازیکنی را پیدا کرد که در تیم‌های باشگاهی کشورش بازی کند. اکثر ستاره‌های این تیم در تیم‌های اروپایی بازی می‌کنند؛ یحیی توره، دیدیده دروگبا، کالو، کلو توره … اما با حضور تمام این ستاره‌های تیم‌های اروپایی نمی‌توان گفت سبک بازی ساحل عاج جدا از دیگر تیم‌های آفریقایی است. بازیکنان در هر تیمی که بازی کنند هنگامی که در تیم ملی دور هم جمع می‌شوند فرهنگ و هویت کشورشان را نشان می‌دهند و مربی آنها از هر مکتبی که باشند نمی‌تواند سبک بومی بازی‌شان را تغییر دهد. اگرچه حضور بازیکنان این تیم در سطح اول فوتبال اروپا باعث می‌شود آنها فوتبالی مدرن بازی کنند اما سبک بازی ساحل عاج مانند بقیه تیم‌های آفریقایی نشانی از سبک بازی قاره خودشان دارد و چیزی جدا از آن نیست.

روی نیمکت، دو تیم وضعیتی کاملاً متفاوت دارند. اریکسون مربی‌ای است که بیشتر از آنکه فنی باشد یک تئوریسین مدیریتی است که سعی می‌کند با مدیریت خاص اهالی اسکندینیای آرامش روانی در تیم‌هایش به وجود بیاورد و شرایط جدی و درونی تیمش را به بهترین نحو مدیریت کند. در مقابل کار کرش کاملاً بر ایده‌های تاکتیکی و فنی استوار است. برنامه‌ریزی‌های فنی و تاکتیکی تیم پرتغال باعث می‌شود این تیم استراتژی و بازی‌های بهتری انجام دهد. ساحل عاج قدرت بیشتری در توپ‌گیری دارد که این مساله بسیار مهمی است و همین نقطه قوت می‌تواند یک برگ برنده آنها در این بازی باشد و البته اریکسون می‌تواند روی ستاره‌هایش که مطمئناً در لحظات سرنوشت‌ساز بازی به کمکش خواهند آمد، حساب کند. اریکسون اگر بتواند جو اردو را از لحاظ روانی مهیا کند و مهارت خود را در این قضیه به کار گیرد، می‌تواند امید زیادی برای این بازی داشته باشد. بازی این دو تیم را می‌توان حساس‌ترین بازی گروه نامید. کره شمالی شانسی برای صعود ندارد و این‌طور که پیش‌بینی می‌شود نمی‌توان انتظار شگفتی از این تیم آسیایی داشت و آنها در بهترین حالت می‌توانند حذفی آبرومندانه از جام جهانی داشته باشند. برزیل قطعاً از این مرحله گذر خواهد کرد و این دو تیم هستند که باید در مسیری سخت یکی از تیم‌های صعودکننده به همراه برزیل باشند. می‌توان گفت تیمی که در این بازی برنده از زمین خارج شود تا حدود زیادی همان تیمی خواهد بود که برزیل را در مرحله بعدی همراهی می‌کند چون دو تیم در مقابل برزیل و کره شمالی به احتمال زیاد شرایط یکسانی خواهند داشت و تنها این بازی است که می‌تواند تفاوت‌ها را نشان دهد و تیم بهتر را معرفی کند و هیچ یک از دو مربی نمی‌خواهند تنها فرصت خود را از دست بدهند.

پیش‌زمینه

جام در دست جرارد
دیلی‌استار – انگلیس: با وجود فضای انتقادی شکل‌گرفته در مطبوعات انگلیس پس از تساوی با امریکا روزنامه دیلی‌استار در شماره دیروز خود با حرکتی جالب به حمایت از تیم کاپلو پرداخت. «انگلیس هنوز می‌تواند قهرمان شود» تیترا اصلی این روزنامه است اما مهم‌تر از تیترا، عکس اصلی جلد است که سر دو بازیکن تیم ملی انگلیس پس از فتح جام جهانی ۱۹۶۶ بریده شده و سر جرارد و رونی جای آنها قرار گرفته و خواننده روزنامه جام را در دست جرارد می‌بیند. این حرکت روزنامه دیلی‌استار نشان می‌دهد با وجود توقف انگلیس مقابل امریکا، اهالی جزیره هنوز امیدوار به قهرمانی جهان هستند.

ما قهرمانیم
گازتا – ایتالیا: این روزنامه هم مثل دیلی‌استار تصمیم گرفته در آستانه اولین بازی ایتالیا در جام جهانی به این تیم روحیه بدهد. پیش از بازی دیشب ایتالیا برابر پاراگوئه، گازتا ز دلواسپورت فضای جلد خود را به این بازی اختصاص داد. تیترا «ما قهرمان هستیم» به همراه عکسی معروف از کانائورو همراه جام قهرمانی سال ۲۰۰۶، فضای امیدوارکننده‌ای برای ایتالیایی‌ها ساخته است. چند تیترا مربوط به اخبار مهم اردوی ایتالیا نیز روی جلد گازتا رفته و این روزنامه شرایط تیم ملی کشورش را در آستانه بازی دیشب خوب توصیف کرده بود.

استارت
کیکر – آلمان: مثل اینکه آلمانی‌ها واقعاً انتظار شروعی عالی در جام جهانی را داشتند. مثلاً کیکر در شماره دیروز خود بدون استفاده از تیترا و عکس حماسی، تصمیم گرفت عکسی از اشتایگر را به همراه تیترا «آغاز» روی جلد ببرد. آلمانی‌ها که جوانی بیش از حد تیش‌شان، خیلی‌ها را نگران کرده بود، آنقدر راحت استرالیا را بردند که حالا انگلیس و امریکا در گروه سوم تلاش می‌کنند از رویارویی با ژرمن‌ها در یک‌هشتم نهایی جلوگیری کنند.

رونالدو از اسپانیا فرار می‌کند
مارکا – اسپانیا: روزنامه اسپانیایی مارکا که هوادر رئال‌مادرید هم هست، مصاحبه ویژه‌ای با کریس رونالدو داشته و با توجه به اینکه پرتغال در صورت صعود از گروه مفت، احتمال رویارویی‌اش با اسپانیا در یک‌هشتم نهایی زیاد است، از ستاره رئال در این باره سوال کرده که رونالدو هم در پاسخ گفته ترجیح می‌دهد تیمش به اسپانیا برخورد نکند. همین اظهارنظر هم تبدیل به تیترا یک مارکا شده است. مثل اینکه هواداران رئال هم دوست ندارند هنرنمایی رونالدو را مقابل تیم کشورشان ببینند. البته گزینه دیگر آنها رویارویی با برزیل و کاکا در دور دوم است که خب این هم برای آنها چندان جالب نخواهد بود.

^[1] در جام جهانی ۲۰۰۶، هادی هادی (پشت سفید) در حال دفاع از دروازه است

^[2] در جام جهانی ۲۰۰۶، هادی هادی (پشت سفید) در حال دفاع از دروازه است

۵ دی هجری **پهلوه** = ۵



Amir Pouria (amirpouria@gmail.com)

بیزاری از بنز و برزیل

یک: این چه الزام رنج‌آوری است که باید برای آماده شدن و صفحه‌بندی و چاپ و غیره، این یادداشت را عصر دوشنبه بنویسم و شما وقتی آن را بخوانید که بازی دیشب ایتالیا - پاراگوئه برگزار شده؟ شما نمی‌توانید به شیوه فیلم‌هایی که «ماشین زمان» به شخصیت‌هایشان توانایی سفر در بین گذشته و آینده را می‌بخشد، یک سر به یک روز قبل بیاپید؟ نمی‌توانید به من بگوید دیشب آن همه غرغ و نئق همگان درباره پیری تیم امسال مارچلو لیپی بزرگ، بالاخره درست از آب درآمد و تیم عزیزمان را در گام اول به باد داد؟ یا برعکس، ما هم مثل آلمانی‌های مقتدر و به شدت دارای «تنوع سبک» در بازی‌شان، از حالا میخ‌مان را چنان کوبیده‌ایم که همه پذیرفته‌اند باید از مدعیان به حساب آییم؟ فردا همین جا درباره آنچه نیمه‌های دیشب گذشت، با هم گپ خواهیم زد.

دو: امشب به غیر از بازی دو هم‌گروه دیگر ایتالیا یعنی نیوزیلند و اسلواکی، مسابقات یکی از دو گروه مرگ جام یعنی گروه G شروع می‌شود. بدیهی است گروه مرگ دیگر، گروه E (هلند، دانمارک، ژاپن و کامرون) به شمار می‌رود. اما در مورد گروه G، اتفاقاً من یکی چندان این نکته را که بسیاری درباره کره شمالی این می‌گویند، جدی گرفته‌نی‌دانم. دلیل دشواری بیش از حد این گروه، نمی‌تواند این باشد که به گذشته‌های بسیار دور کره شمالی که در جام ۱۹۶۶ ایتالیا را در گرداب خود غرق کرد، ارجاع بدهیم و بگوییم این تیم هم ممکن است امسال چنین کند. به احتمال قریب به یقین، برزیل همین امشب پذیرایی مفصل و پرگلی از ایشان خواهد کرد و بعد این احتمال شگفتی‌سازی و… هم فرامون خواهد شد. اما دلیل مهم‌تر، به غیر از هم‌گروه شدن برزیل و پرتغال با نوع فوتبال لاتین شبیه به هم، عظمت نامی ساحل عاج است که از نتایج یکی دو سال اخیرش تا میزبانی آفریقای جنوبی که دیدیم تماشاگرانش برای برد غنا جلوی صربستان چه حنجره‌ای پاره کردند یا مربیگری بزرگ‌مدد باهوئی چون سون گوران اریکسون تا بازیکنانی چون دروگبا و یحیی توره و - به باور من - حتی کالو که می‌توانند از احتمالات حضور در تیم منتخب جام و باز پایان آن محسوب شوند، برای اینکه یکی از دو تیم پرمدعای گروه را کنار بزنند و خودش صعود کند، همه ویژگی‌های لازم را دارد. امشب، بازی ساحل عاج در برابر پرتغال، حکم یکی از شبه‌فینال‌های مرحله اول را خواهد داشت.

سه: همین حالا و پیش از اولین «شوی فوتبالی» برزیلی‌ها، وکتنش است که به سیاق ستون چهار سال پیش «دو نیمه در بهشت» در همین روزنامه، جسارتاً از این تیم بزرگ اعلام برات و بی‌زاری کنم. اینکه پرستاره است، اینکه همچنان از احتمالات اصلی قهرمانی است، اینکه امسال با حسابگری‌های دوگنا نمی‌خواهد آن بی‌گدار به آب زدن قدیمی برزیل کلاسیک را نشان بدهد و اینکه شور فوتبال در رگ‌های مردمانش بیش از خون جریان دارد، هیچ کدام نمی‌توانند مانع این بی‌زاری و تداوم آن شود. نکته در این است که به قول مارچلو لیپی متشخص ما، «همیشه اگر از مردم پرسید چه تیمی قهرمان خواهد شد، من پرتغال را نوع فوتبال لاتین به هم، عقلت را برای کاندت نمی‌خواندیم و به جایش در مصاحبه‌ای تصویری از خود لیپی می‌شنیدیم، تأکید جمله روی واژه «مردم» بوده؛ و احتمالاً اندکی لحن تحقیرآمیز داشت. «مردم» به معنای عموم و عوام، می‌توانند همان طور فوتبال را مترفاد با برزیل بدانند که مثلاً از ضبط ماشین‌های ۹۰۰رصدشان، ماه‌هاست که فقط صدای ساسی مانکن و تتلو به بیرون می‌خزد، که «آخراجی‌ها» و «چارچنگولی» و «زندگی شیرین» را پرفروش می‌کنند، که برای هر مسابقه تلویزیونی مضحک و زیرموسطی صف می‌کشند تا در استودیو حضور داشته باشند و با خنده‌ای به پهنای صورت از فرط ذوق، کف بزنند. عصبانی نشوید لطفاً، شما به عنوان برزیلی خاصی که خواننده این روزنامه هم هست، استننا به حساب می‌آیید. این طیفی که طرفداران برزیل را پرشمار می‌کند، از صادرکنندگان شعار معروف «صنعت نفت، برزیلته» تا گل کوچک‌بازهای محله‌های مرکزی و جنوبی تهران، اغلب از دل همین طبقه فرهنگی برمی‌آید. دوست داشتن برزیل به این عنوان که مظهر و مهد فوتبال است، درست به این می‌ماند که میان اتومبیل‌های باسافل سطح بالا، بنز انتخاب اول و اصلی آدمی باشد. خب، بله؛ البته که ماشین فوق‌العاده‌ای است. ولی رفتن به سراغ آن، برای نمایش دارایی و ثروت، از سلیقه عامی که باز جسارتاً صفتش را «تازه به دوران‌رسیدی» می‌گذارم، سرچشمه می‌گیرد. نگرشی coolتر، متین‌تر و کمتر متمایل به «تاتولو»بازی، احیاناً بی‌ام‌دلیو را برمی‌گزیند. نگاه عام، همانی است که در زبان عامیانه امروزی ما، وفور و شدت هر پدیده‌ای را با بنز توصیف می‌کند. مثلاً می‌گوید «فلانی مثل بنز غذا می‌خوره» و نمی‌گوید مثل بی‌ام‌دلیو چون بنز می‌تواند به خوبی کلیشه آشکار زیاد بودن، فراوان بودن و گران بودن باشد. درست مثل برزیل که علاقه به آن، به روشنی مصداق کلیشه‌ای بودن است.

چهار: نتیجه تقابل با سلیقه عام را از سال‌ها پیش، از خیلی پیش از آنکه به اتفاق جمعی از دوستانم در هیات‌مدیره انجمن منتقدان سینمایی تند و تیز و غیرمتغفل ۱۰ سال پیش «رزشک زرین» را برای زیر سوال بردن بدترین و کلیشه‌ای‌ترین فیلم سال سینمای ایران اهدا کردیم، می‌دانم. حالا هم متوجه هستم که باید در انتظار ای‌میل‌های عصبانی بسیاری باشم. لطف می‌کنید. باکی نیست. اختلاف سطح و اختلاف سلیقه، همین‌ها را هم دارد.

پایان‌های

تله‌ای به نام دفاع کردن

برزیلی که اصلاً برزیل نیست

وقتی ژولیو سزار در چارچوب دروازه است، مایکون و لوسیو در خط دفاع هستند و دو هافبک دفاعی باهوشر از جلوی خط دفاع سلکائو می‌بینید، برزیل نه‌تنها با ترس دفاع نمی‌کند، بلکه گاهی ترجیح می‌دهد توپ در اختیار حریف باشد و آنها را جلو بکشدن تا از ضدحمله استفاده کنند. این یک واقعیت است که حتی تیم‌های صاحب فلسفه نیز همیشه با یک استیل ثابت بازی نمی‌کنند و در دوره‌های مختلف، بازیکنانی که در ترکیب قرار می‌گیرند، ناخودآگاه تیم را به فرمی خاص از بازی سوق می‌دهند. برزیل در جام‌های جهانی ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ بسیار هجومی و البته ناکام بود اما در ۱۹۹۴ فوتبالی متعادل اجرا کرد و با مهره‌هایی که غیر از روماریو و تا حدودی به تو، ستاره محسوب نمی‌شدند، جام را فتح کرد. در ۱۹۹۸، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ تعداد ستاره‌های برزیل آنقدر زیاد بود که آنها فوتبال تهاجمی و دلخواه‌شان را اجرا می‌کردند و دو بار هم به فینال رسیدند و یک بار قهرمان شدند. این روند اما دوباره به سمت تعادل و حتی فوتبال دفاعی کشیده شده، چه مهره‌های تشکیل‌دهنده برزیل، تیمی متعادل را می‌سازند. دوگنا شاید برای تأکید روی این تعادل بود که رونالدینیو را دعوت نکرد و قید پاتو را هم زد. آنها پس از ناکامی در جام جهانی ۲۰۰۶ از سیستم ۲-۲-۴ که به سرمربی اجازه می‌داد همزمان از چهار ستاره در ترکیب استفاده کند، عقب‌نشینی کرده‌اند و دوگنا این بار می‌خواهد با ۱-۳-۴ و البته با گرایش تدافعی به استقبال مسابقات آفریقای جنوبی برود. بزرگ‌ترین مشکل برزیلی‌ها مصدومیت و افت کار در اواخر فصل اخیر و نوسان روبینیو است که اگر در جام جهانی هم این مسائل ادامه پیدا کند، شانس برزیل برای فتح جام خیلی کم خواهد شد. در گروه برزیل، دو تیم قوی با دو سبک متفاوت حضور دارند؛ پرتغال و ساحل عاج. برزیل به ندرت مقابل حریفان آفریقای به مشکل خورده است. آنها در جام جهانی ۱۹۹۴ کامرون را به راحتی شکست دادند و در ۲۰۰۶ هم غنا را که پدیده‌ای قوی بود، حذف کردند. این بار اما در مرحله گروهی ساحل عاج با اریکسون می‌تواند به گرفتن یک امتیاز از برزیل فکر کند و پرتغال هم در بازی‌های بزرگ، مهره‌های سرنوشت‌سازی مثل نانی و رونالدو و ساپروسا را دارد که می‌توانند نتیجه هر مسابقه‌ای را تغییر دهند. با این حال برزیل مدعی اصلی صعود به عنوان تیم اول گروه هشتم است و جالب اینکه اگر آنها دوم شوند، به احتمال زیاد باید در یک‌هشتم‌نهایی مقابل اسپانیا قرار بگیرند؛ دو مدعی اصلی فتح جام جهانی که تصادف‌شان در همان مراحل اول، مدعیان دیگر مثل انگلیس و آلمان و ایتالیا و فرانسه را خوشحالش خواهد کرد. دشاین این یک اتفاق تاریخی باشد که ستاره‌های احتمالی برزیل بیشتر در سازمان دفاعی این تیم جست‌وجو شوند تا در خط حمله اما این اتفاق رخ داده و این بار بیشتر باید به عملکرد سرنوشت‌ساز سزار و لوسیو توجه کنیم تا دربیل‌های روبینیو و ضربات کاکا. برزیل در جام کنفدراسیون‌ها هم نشان داد که به پیروزی با نتیجه یک بر صفر علاقه زیادی پیدا کرده و این گرایش تازه، وظیفه سازمان دفاعی برزیل را سنگین می‌کند. برزیل اگر خوب دفاع کند در هجوم مشکلی را حس نخواهد کرد.

۱۹ گزارشی آخر

گزارشی ملگنی

تقدیر از دکتر دادکان در لانه جاسوسی

سکه را قبول نکرد

«مجمع که منتخب مردم است مرا رئیس فدراسیون کرد. کی مرا برکنار کرد؟» علی‌آبادی که نماینده دولت است، من و همکارانم را برکنار کرد. یعنی مردم من را انتخاب و علی‌آبادی برکنارم کرد. حالا تفاوت من با علی‌آبادی در این است که او با حکم دولت آمد، اما در مجلس که انتخاب مردم است برای وزارت نیرو رای نیاورد.» این آخرین اظهارنظر دادکان در مصاحبه با مجله‌ای بود که چند ماه قبل موفق به مصاحبه با او شده بود. خیلی وقت است از محمد دادکان خبری نیست؛ مردی که به نظر می‌رسد رئیس آینده فوتبال ایران باشد. محمد دادکان این روزها تنها به دانشگاه شهید بهشتی و دفترش می‌رود و اگر خواهد بختی هم درباره فوتبال انجام دهد، تنها پاسخ دانشجویانش را می‌دهد. این روزها حرف زدن با دادکان اصلاً امکان ندارد. نمی‌تواند این روی پیامگیر (لطفاً پیام خود را بگذارید) قرار دارد. دادکان از رسانه‌ها کناره‌گیری کرده و به سکوت فرو رفته است، هر لحظه امکان بازگشت او وجود دارد.

مراسمی بزرگ

هفتمین گردهمایی مذهبی جامعه فوتبال با شرکت گسترده و پرشور جامعه ورزش به میزبانی جمعیت حامیان هواداران فوتبال و تیم‌های ملی در موسسه فرهنگی- ورزشی شهدای دانشجو واقع در لانه جاسوسی آمریکا برگزار شد. در این مراسم معنوی سخنران این مراسم حسن غفوری‌فرد بود که زمانی ریاست سازمان تربیت بدنی را در دست داشت و مطمئناً آشنایی نزدیکی با دادکان دارد. عضو هیات‌رئیس‌ه مجلس شورای اسلامی با اظهار تأسف از جای خالی ایران در جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی گفت: «دو کره که اکنون در جام جهانی حضور دارند به اندازه یک استان خراسان وسعت ندارند یا بحرین در پلی‌آف حضور داشت. آیا فوتبال کشورمان از این کنشورا عقب‌تر است؟» اینها بخشی از سخنرانی مدیری است که گویا وضعیت فعلی ورزش را نمی‌پسندد. البته غفوری‌فرد با تشکر از

بی‌رحمی نسل جوان ژرمن

شرق

پیش بود که احمدی‌نژاد به محمد علی‌آبادی دستور ویژه‌ای داد؛ «برو فوتبال را درست کن.» سال بعدش احمدی‌نژاد در نطق انتخاباتی‌اش درباره فوتبال گفت: «باید خودم وارد شوم و این حواشی مخرب را از فوتبال کنار بزنم.» علاقه او به فوتبال تمام‌ناشدنی است و حتی این اواخر برای اینکه طرح هدفمند کردن یارانه‌ها اجرا شود، اعلام کرد: «مثل فوتبال عمل کنید که دست کاپیتان را باز می‌گذارند تا خود تم را آرایش دهد و هدایت کند و از او تنها نتیجه را می‌خواهند» تا نشان دهد چه میزان به فوتبال علاقه‌مند است. این دادکان همان فردی است که اعتقاد دارد «من باید از یک گروه از مسوولان تشکر ویژه بکنم. موظفم از آقای احمدی‌نژاد تشکر کنم، ایشان همیشه نسبت به فوتبال نظر مثبت داشتند.» این مهم‌ترین بخش از مصاحبه محمد دادکان در اول شهریور ۱۳۸۵ پس از برکناری با روزنامه «شرق» است که رئیس برکنار شده از دوستی دیرینه با احمدی‌نژاد می‌گوید. در حقیقت فوتبال در همه این سال‌ها چوب «دولتی» بودنش را خورده است. در این میان محمد دادکان همان مرد اسطوره‌ای فوتبال نیست، کم‌البته چنین فردی در فوتبال ایران یافت نمی‌شود. فوتبال از درون و در زیرساخت‌های فکری و عمرانی دچار اختلال است؛ فوتبالی که توانایی «تولید» ندارد و اهمیتی برای «ساختن» قائل نیست. فوتبال به «ساختاری» محتاج است که نه کفایشان برای آن برنامه‌ای دارد و نه دادکان به آن اهمیت می‌داد. فوتبال به «نگاهی» باید وابسته باشد که بتواند رنسانس «نظری» را تحقق ببخشد؛ موضوعاتی که نه‌برای کفایشان اهمیت داشت نه برای دادکان اهمیت دارد.

این دادکان همان فردی است که دوستان نزدیک محمود احمدی‌نژاد نقل می‌کنند که او در جمع خصوصی با دوستان نزدیکش ادبیات جالبی برای درست کردن فوتبال به کار برده بود؛ «مگر خودم بروم و دادکان را بیاروم.» او البته برای درست کردن فوتبال همیشه اشتیاق داشته است، همین دو سال

پیش بود که احمدی‌نژاد به محمد علی‌آبادی دستور ویژه‌ای داد؛ «برو فوتبال را درست کن.» سال بعدش احمدی‌نژاد در نطق انتخاباتی‌اش درباره فوتبال گفت: «باید خودم وارد شوم و این حواشی مخرب را از فوتبال کنار بزنم.» علاقه او به فوتبال تمام‌ناشدنی است و حتی این اواخر برای اینکه طرح هدفمند کردن یارانه‌ها اجرا شود، اعلام کرد: «مثل فوتبال عمل کنید که دست کاپیتان را باز می‌گذارند تا خود تم را آرایش دهد و هدایت کند و از او تنها نتیجه را می‌خواهند» تا نشان دهد چه میزان به فوتبال علاقه‌مند است. این دادکان همان فردی است که اعتقاد دارد «من باید از یک گروه از مسوولان تشکر ویژه بکنم. موظفم از آقای احمدی‌نژاد تشکر کنم، ایشان همیشه نسبت به فوتبال نظر مثبت داشتند.» این مهم‌ترین بخش از مصاحبه محمد دادکان در اول شهریور ۱۳۸۵ پس از برکناری با روزنامه «شرق» است که رئیس برکنار شده از دوستی دیرینه با احمدی‌نژاد می‌گوید. در حقیقت فوتبال در همه این سال‌ها چوب «دولتی» بودنش را خورده است. در این میان محمد دادکان همان مرد اسطوره‌ای فوتبال نیست، کم‌البته چنین فردی در فوتبال ایران یافت نمی‌شود. فوتبال از درون و در زیرساخت‌های فکری و عمرانی دچار اختلال است؛ فوتبالی که توانایی «تولید» ندارد و اهمیتی برای «ساختن» قائل نیست. فوتبال به «ساختاری» محتاج است که نه کفایشان برای آن برنامه‌ای دارد و نه دادکان به آن اهمیت می‌داد. فوتبال به «نگاهی» باید وابسته باشد که بتواند رنسانس «نظری» را تحقق ببخشد؛ موضوعاتی که نه‌برای کفایشان اهمیت داشت نه برای دادکان اهمیت دارد.

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

●.....● علی‌ع‌آلی ●.....●

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹

سال پنجم ■ شماره ۹۸۸ ■ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۹